روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ _ ۲۴ محرم ۱۴۴۶ _ ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۴- شماره ۲۴۶۸ _ سال نهم

۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۷۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره

مدیر هنری: امین مریخی چاپ: صمیم ۲- ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج

خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

گزارش

استقبالی بی نظیر از یک نشست فرهنگی!

م. مهراوه

عضو آکادمی جامعه شناختی وفاق

جلسه نقد کتاب و آیین رونمایی کتاب «شریعتی و تفکر معنوی در روزگار سیطره‌ی نیست‌انگاری» اثر دکتر محمدحسن علایی با حضور دکتر بیژن عبدالکریمی و دکتر سیدجواد میری و دکتر حسن محدثی و دکتر رحیم محمدی و نویسنده اثر و با استقبال کثیری از اهل فرهنگ ۴مرداد در باشگاه اندیشه برگزار شد. این جلسه با سخنرانی علایی نویسنده اثر در خصوص کتاب آغاز شد وی در این بخش از سخنان خود ضمن اشاره به چند و چون تکوین اثر از میراث شریعتی و تفکر معنوی سخن گفت و توجه اهل فرهنگ را به مسئله معنا و نیهیلیسم جلب کرد و از فلاسفه اسلامی و دپارتمان‌های دانشگاهی فلسفه به جهت بی توجهی به مسئله نیست‌انگاری و واقعیت های موجود جامعه گلایه کرد، وی همچنین از همکاران جامعه شناس خویش به جهت بی توجهی به فلسفه و مسئله حقیقت و معنا شکوه کرد و جامعه‌شناسی ایران را گرفتار فقر فلسفی دانست. دکتر بیژن عبدالکریمی نیز ضمن توصیف ویژگی‌های برجسته ی کتاب پرداختن به آرای شریعتی را تحسین کرد و صورت‌بندی نسبت ایده تفکر غیرتئولوژیک-غیرسکولار و آرای شریعتی را ارزشمند تلقی نمود و از غربت شریعتی و ره‌پویان راستین شریعتی سخن گفت که مثل خود شریعتی حاضر به تن دادن به دو طرف تقابل سنت‌گرا و نوگرا نیستند. وی در خصوص نویسنده کتاب و اثر وی گفت: این اثر و نویسنده آن که پرورش یافته مکتب شریعتی هست را گشاینده ی راهی متمایز در جامعه شناسی ایران معرفی کرد برخلاف روند شبه روشنفکری و شبه جامعه‌شناسی کشور حائز اهمیت بسیاری است. دکتر حسن محدثی و دکتر رحیم محمدی با نوعی مواجهه پوزیتیویستی در برقراری نسبت با افق معنایی اثر ناکام ماندند و چندان نقد مرتبطی در خصوص پیام کتاب ارائه نکردند که مورد انتقاد و اعتراض دکتر عبدالکریمی و دکتر علایی واقع گردید. دکتر حسن محدثی با اشاره به گزاره هایی از کتاب «ما و جهان نیچه ای» اثر دکتر بیژن عبدالکریمی، به ارائه انتقاداتی پرداخت که به جهت سوبرداشت‌های فاحش مورد واکنش تند دکتر عبدالکریمی واقع گردید. دکتر سیدجواد میری نیز با اشاره به توفیق اثر فضای گفتمانی شکل گرفته در سایه این اثر را بسیار مغتنم شمرد و با اشاره به استقبال بی نظیر مخاطبان و زمان حدود ۴ساعته جلسه نقد کتاب از ظهور این پلت‌فورم نو با شگفتی یاد کرد. دکتر میری با مرور مطالعات پسااستعماری، شریعتی را متفکری جهانی دانست که نماینده تفکری غیراروپامحورانه است. در نهایت دکتر محمدحسن علایی نویسنده کتاب «شریعتی و تفکر معنوی در روزگار سیطره‌ی نیست‌انگاری» با اشاره به اهمیت متفکرین معاصر از شریعتی تا داوری و عبدالکریمی و... ضمن انتقاد از غیبت شریعتی در دانشگاه ایرانی، و فقدان سنت گفتگوهای علمی؛ جامعه‌شناسان و روشنفکران را نسبت به برخورد سرسری با بصیرت‌های بنیادین اهل تفکر تذکار داد.

کتاب

به مناسبت روز بزرگداشت سهروردی؛

سفری از کودکی تا روزی که شهاب‌الدین، شیخ اشراق شد

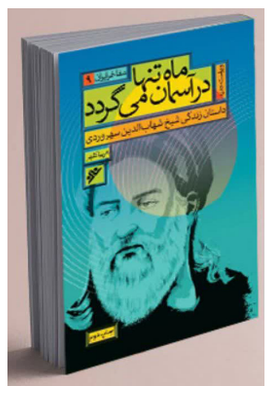

کتاب «ماه تنها در آسمان می‌گردد: داستان زندگی شیخ شهاب‌الدین سهروردی» سفری برای نوجوانان است از روزی که شهاب‌الدین، پسرکی سرخ‌روی در سهرورد بود تا روزی که شیخ اشراق نامیده شد. کتاب «ماه تنها در آسمان می‌گردد: داستان زندگی شیخ شهاب‌الدین سهروردی»، جلد نهم از مجموعه مفاخر ایران است که در آن، فریبا کلهر در ۱۳۶صفحه به صورت داستانی و روایی به زندگی و اندیشه‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی، یکی از فیلسوفان و عارفان بزرگ ایرانی در قرن دوازدهم میلادی از دوران کودکی تا بزرگسالی پرداخته است. این اثر برای گروه سنی نوجوان است و به همت دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده.

سهروردی به عنوان بنیان‌گذار مکتب فلسفی «اشراق» شناخته می‌شود و آثارش تأثیر عمیقی بر فلسفه اسلامی و عرفانی داشته است. در این کتاب که با تصاویری از مضامین داستان همراه است، علاوه بر شرح زندگانی، اندیشه‌ها و دستاوردهای فکری و آثار شیخ اشراق، گوشه‌هایی از اوضاع و احوال زمان او نیز به تصویر کشیده شده است. در این کتاب با قلم فریبا کلهر همراه می‌شوید و همانند شهاب‌الدین سهروردی از دهکده کوچک سهرورد در زنجانِ ۸۰۰سال پیش، تا مراغه و روم و شام رویا می‌بافید و در افسانه‌های ایران باستان تا ایستادن بر بام معنا و فلسفه غرق می‌شوید.

این کتاب سفری برای نوجوانان است از روزی که شهاب‌الدین، پسرکی سرخ‌روی در سهرورد بود تا روزی که شیخ اشراق نامیده شد. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: «پسرک اسیر قفس نبود. اسیر خیالات و رؤیاهای خود بود: پدرش مراقب بود. او را می‌دید که زیر فشار رؤیاهایش از پا در می‌آید. «چه تب و تابی برای سفر کردن، رفتن، نماندن» و پسرش را نصیحت می‌کرد: «باید صبر کنی پسرجان.»

گویی در رگ‌های پسرکِ سرخ‌رو، خون بسیاری جاری بود؛ خونی گرم و حتی داغ که یکجا نشستن را برایش غیرممکن می‌کرد. ناآرامی پسر بر مادرش هم پوشیده نبود. به همسرش می‌گفت: «چرا پسرمان مثل تو نیست، مثل من.... مثل دیگر مردم این دهکده؟» پدر می‌گفت: «آرزوها و خواسته‌های پسرمان دورتر از اینجاست. دورتر از این دهکده‌ی کوچک...» مادر، همیشه نگران و مراقب و گوش به زنگِ رفتار پسرش بود. می‌گفت: «در این سن که هنوز کودک است، چه‌طور چنین آرزوهایی در او سر برمی‌آورد؟ آه، کوتاهی کردیم! چرا گذاشتیم همنشینِ شیخ گیسودراز شود؟ چرا مراقبش نبودیم؟» پدر می‌گفت: «از شیخ گیسودراز دلگیر نباش، تمام کودکان ده پیش او می‌روند و تمرین خط می‌کنند. این طبیعت است که پسرمان را در چنگ خودش گرفته. پسرمان در قفس طبیعت زندانی است. درون او ناآرام است و از دست کسی کاری برنمی‌آید.»

حافظه تاریخی

ترور پادشاه ایتالیا در عصر فعالیت آنارشیست ها

۲۹ جولای ۱۹۰۰ اومبرتو یکم = humbert Umberto پادشاه وقت ایتالیا ترور شد. وی ۲۲ سال بر ایتالیا سلطنت کرده بود. اومبرتو برخلاف پدرش مردی محافظه کار و علاقه مند به تقویت ارتش و سیاست خارجی بود و به همین سبب به آلمان نزدیک شده بود.

مورخان اورا بنیادگذار اتحاد مثلث می‌دانند. اومبرتو که کوچکترین ناارامی را تحمل نمی کرد به ارتش دستور داده بود که تظاهرات نسبتا آرام ۲۹ آگوست سال۱۸۹۸ کارگران در میلان را زیر آتش توپ قرار دهند که ضمن آن جمع کثیری کشته شدند. اومبرتو به دست گائتانو (آنژلو) برشچی Gaetano Bresci یک آنارشیست ایتالیایی ـ آمریکایی کشته شد . Bresci گفته بود که انتقام خون کارگران میلان را گرفته است. دهه‌های آخر قرن نوزدهم و اول قرن بیستم را عصر ظهور عملی آنارشیسم نوشته اند و آنارشیست ها که عقیده به حکومت شوراها بر کشورها داشتند و حکومت فرد حتی انتخابی را رد می‌کردند در آن چند دهه چندین رئیس دولت و رئیس کشور را در اروپا و آمریکا ترور کردند. پیدایش فلسفه آنارشیسم از اواسط قرن نوزدهم است. وقوع جنگ جهانی اول به فعالیت آنارشیست ها پایان داد. چون در آن زمان مجازات اعدام در ایتالیا لغو شده بود، Bresci به حبس ابد محکوم شد که بیست و دوم ماه می ۱۹۰۱ اعلام شد که وی در زندان خودکشی کرده است. گفته شده است که نگهبانان زندان اورا کشته بودند. درپی ترور اومبرتو پسر ۳۱ساله اش ویتوریو امانوئله پادشاه ایتالیا شد.

یادداشت

غفلت از شبکه و کادرسازی جدید

محسن خرامین

روزنامه‌نگار

انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری پرده از بحران‌ها و بسیاری واقعیات زیر پوست جامعه که تلاش بر انکار آنها بود برداشت. در رابطه با عدم مشارکت و کنش رای دهندگان و آنان که رای ندادند فراوان گفته و نوشته شد. حتی در رابطه با اینکه پیروزی پزشکیان نباید به پای اصلاح‌طلبان نوشته شود که این انتخابات فروپاشی سازمان اصلاح‌طلبان را نیز عیان نمود تحلیل و نقدهای زیادی به میان آمد. به‌ویژه اینکه اصلاح‌طلبان شبکه و نفوذ سابق خود را در میان گروه‌های مختلف مردم از جمله نسل‌های جدید از دست داده‌اند. این موضوع گرچه می‌تواند معلول شرایط عمومی و پایان ماجرا برای دو طیف باشد ولی این همه مسئله نیست. اصلاح‌طلبان سازمانی هرگز برای آینده برنامه نداشته و ندارند و در دولت فعلی نیز بیم آن می‌رود که نگاهی کاملاً از سر بی مسئولیتی و اصطلاحا رهگذری در نگاه آنها وجود داشته باشد. ما در این مطلب قصد داریم حول دو مقوله کادرسازی و شبکه و اتصالات سیاسی و جریانی متاثر از ژیل دلوز و برونو لاتور مطلب را به پیش بریم. انسان موجودی اجتماعی است و اکثر مسائل روزمره اش بویژه کار سیاسی یک حرکت جمعی و سازمانی است. بدون وجود سازمان اساسا کار سیاسی و هر نوع کنشی ناقص است. طبق تعاریف در علوم سیاسی سازمان فی نفسه قدرت است. بر همین اساس در جهان مدرن بشر به سمت شکل بخشی به احزاب و تقویت آن حرکت کرد.

در دموکراسی های امروزی وجود احزاب حتمی به نظر می‌رسد. تاریخ سیاسی ایران اما تاریخ پا نگرفتن احزاب و سنگ‌اندازی در مسیر تفکر و رفتار حزبی و سازمانی است. هیچ رئیس جمهوری در کشور حاضر نشده است خود را منتسب به احزاب معرفی کند که در آخرین مورد شاهد انکار این موضوع از سوی مسعود پزشکیان هستیم.

در ابتدای مطلب ادعا کردیم رای به پزشکیان به منزله رأی به اصلاح‌طلبان نباید کامل برداشت شود اما با این حال باید گفت بدون حمایت اصلاح‌طلبان از پزشکیان شرایط و پیروزی برای وی آن گونه که پیش آمد به احتمال زیاد پیش نمی‌آمد. با وجود انکار پزشکیان و روسای جمهور قبلی از تعلق به احزاب اما بر کسی پوشیده نیست که روسای جمهور از دل دو جریان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا بیرون آمدند و با وجود شکل‌گیری جریان‌های دیگر بویژه در قالب اپوزیسیون اما این دو جریان کماکان در عرصه حضور دارند و در انتخابات و مناسبات درون نظام قائل به ایفای نقش و بازی هستند. اصولگرایان به جهت نزدیکی به سایر مراکز قدرت از انگیزه، انسجام و برنامه‌ریزی بلندمدت تر سازمانی برخوردارند و تا حدود زیادی واقف به ضرورت کادرسازی و گسترش شبکه اعضای خود هستند. این جریان علاوه بر گسترش پایگاه و شبکه خود از طریق مساجد، پایگاه‌های بسیج و هیئت های مذهبی از آن مهم‌تر اصرار زیادی در بکارگیری و رشد و ارتقای نیروهای خود در سیستم اداری حتی به بهای عبور و نادیده گرفتن دستورالعمل‌ها و قوانین استخدامی و تحمیل برخی خسارت‌های هزینه‌ای و مدیریتی دارد. موضوعی که در جریان اصلاح‌طلب کمتر دیده می‌شود و اساسا مقوله کادرسازی مغفول مانده است و یکی از دلایل «از دست رفتن سنگر به سنگر» نهادها و سازمان‌های قدرت و اجرایی از سوی اصلاح‌طلبان می‌تواند نتیجه کم‌توجهی به این بخش باشد. بعد از دولت محمد خاتمی ۸سال یک دولت اصولگرا بر سر کار بود و بعد از آن دولت تدبیر و امید هر چند با حمایت اصلاح‌طلبان بر سرکار آمد اما موضوع کادرسازی برای تصمیم گیرندگان آن دولت به جهت فاصله عقیدتی با اصلاحات از هیچ اهمیت و اولویتی برخوردار نبود. ضمن آنکه در آن دولت سختگیری های زیادی برای کوچک سازی دولت و برون سپاری انجام شد و عملا هیچ وقعی برای تقویت و توسعه نیروی انسانی و کادری گذاشته نشد. در سه سال گذشته یک دولت کاملا مخالف بر سر کار بود که اتفاقا برنامه‌های سازمانی و برنامه‌ریزی شده بسیاری برای جذب نیروهای عقیدتی و کادری خود حتی از صفر داشت. قوه اجرایی مقصد اصلی نیروهای جوان و کادری جریان‌های سیاسی است و تداوم حیات سیاسی و سازمانی یک جریان سیاسی بدون رشد و ارتقای نیروهای جوان آن جریان ممکن نیست. اصلاحات یک سازمان فرسوده و رو به تعطیلی است و کمترین ارتباط را با نسل‌های جدید دارد و در اکثر موفقیت‌های انتخاباتی نیز مرهون «نه» مردم به جریان رقیب بوده است.

ارتباط و فهم نسل جدید در کلیت یک موضوع است و اینکه آن‌ها را ترغیب و تشویق به ورود به تشکیلات و فعالیت‌های جریانی نمود کاری است به غایت ظریف و حساس و نیازمند دانش روز و تعریف سازوکارهای متناسب. احیا و بازسازی سازمان اصلاح‌طلبان بسیار سخت است و آنچه در انتخابات اخیر رخ داد یعنی پیروزی مسعود پزشکیان پرده از واقعیات تلخ و شاید هشدارآمیزی برای آن‌ها برداشت که اصلاح‌طلبان به مانند سابق جایگاه و پایگاه قابل اتکایی در میان مردم ندارند. اصلاح‌طلبان اگر حیات سیاسی می‌خواهند منوط به پوست اندازی و روزآمدسازی واقعی و هزینه‌کرد و از خودگذشتگی نسل‌های مسن‌تر است. در رأی به پزشکیان بخش زیادی از آن نتیجه اتفاقات خودجوش ستادی و برخی شخصیت ها، تصمیمات شخصی مردم و یا پویش و موج سازی های خارج از حلقه سازمانی و به میانجی رسانه‌های غیر رسمی و اجتماعی بوده است. امروزه شبکه‌های غیر رسمی در حال نضج گیری هستند و پیش‌بینی می‌شود با رفع برخی کاستی‌ها قادر به ایجاد جنبش‌های بزرگ اجتماعی نیز باشند. آینده ثابت نیست بلکه عرصه پیش‌بینی ناپذیری و دگردیسی است و هر لحظه باید منتظر پیشامدهای جدید بود پس دیگر نمی‌توان به سبک و سیاق گذشته به کار سیاسی و گروهی پرداخت. مردم در این انتخابات نشان دادند فراتر از نقش سیاهی لشکر، کنشگران اصلی هستند تا مصداقی روشن از تحقق تئوری کنشگر- شبکه لاتور به عنوان یک هستی شناسی بسیار عام باشند. تعیین کننده برای آینده نام‌ها و اسطوره‌های رسانه‌ای نیست و نسل های جدید به هیچ وجه در دوم خرداد ۷۶ یا ۸۸ باقی نمی‌مانند و تنها متناسب با موقعیت های پیش رو، اتفاقات و ارتباطات و شبکه‌های جدید اقدام و حرکت خواهند کرد.

به‌عنوان نکته آخر اشاره به شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان قدرتمندترین شبکه مجازی و در ارتباط با دنیای واقعی نیز لازم است. این شبکه‌ها امروزه در تمام نقاط جهان و ایران و به رغم فیلترینگ در دسترس همگان قرار دارند و نه تنها گریزی از آنها نیست که شاهد رشد و حضور بیشتر آنها و انواع جدیدتری از آنها خواهیم بود. این شبکه‌ها به تعبیر «هنری برگسون» که در رابطه با تکنولوژی باور داشت؛ خیرهای توام با شر هستند که ضمن امکان بالقوگی مثبت می‌توانند تهدید نیز باشند. تهدید از این حیث که افراد را از فضای واقعی و کنشگری دور کرده‌اند و فرصت از جهتی که به مدد آنها می‌توان شبکه واقعی را حفظ و گسترش داد. خلاصه آنچه آمد می‌تواند این پاراگراف کوتاه پایانی باشد که کار سیاسی و جریانی یک کار جمعی و سازمانی است و هیچ سازمانی بدون وجود نیروهای فعال و هماهنگ پیشرفت نخواهد داشت و در این راه در وهله اول باید نیروهای مستعد و خلاق شناسایی و جذب و حمایت شوند و در وهله دوم با ایجاد یک شبکه قوی آنها را در دو حوزه قدرت و مقاومت باقی نگه داشت.

چهره

محمدتقی غیاثی، مترجم، درگذشت

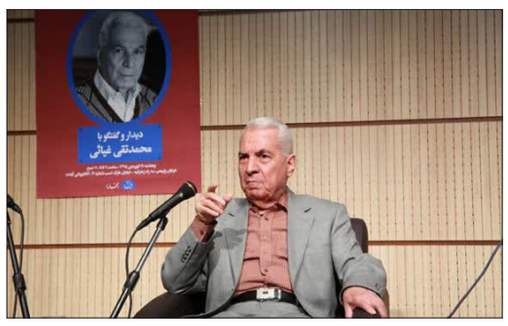

محمدتقی غیاثی، منتقد ادبی و مترجم ادبیات فرانسوی، در ۹۲سالگی در فرانسه درگذشت. فرهنگ نشرنو با اعلام این خبر در صفحه خود نوشته است: «درگذشت محمدتقی غیاثی استاد و مترجم زبان و ادبیات فرانسه را به جناب آقای ناصر غیاثی، خانواده محترم غیاثی، و اهل فرهنگ و ادبیات ایران تسلیت می‌گوید. محمدتقی غیاثی سال ۱۳۱۱ در خمام گیلان زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در خمام و متوسطه را در شهر رشت و تحصیلات دانشگاهی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه در دانشسرای عالی تهران گذراند. در ۳۰ سالگی با بورس تحصیلی وزارت فرهنگ دولت ایران به پاریس رفت و موفق به اخذ دکتری ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس شد. «تأثیر استاندال روی ژید» عنوان تز دکتری او بود. پس از بازگشت به ایران تا هنگام بازنشستگی با سمت استاد تمامی در دانشگاه تهران و چندین سال نیز در دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به تدریس زبان و ادبیات فرانسه اشتغال داشت. محمدتقی غیاثی جز فرهنگ‌های فرانسه-فارسی و کتاب‌های کمک‌درسی‌ای که در آموزش زبان فرانسه منتشر کرده است، ترجمه‌های پرشماری نیز از آثار ادبی نویسندگان فرانسه در کارنامهٔ پربار خود دارد. این آموزگار و مترجم برجسته امروز هفتم مردادماه ۱۴۰۳ در فرانسه درگذشت.» «خدایان تشنه‌اند» اثر آناتول فرانس، «سهم سگان شکاری» اثر امیل زولا، «دلهره هستی» اثر آلبر کامو، «هفته مقدس» اثر لویی آراگون و «نقد تکوینی» اثر لوسین گلدمن از جمله ترجمه‌های اوست.

در بچه

ایرین ترندافیلوف - بلغارستان

جزئیات سعدی

از دست دوست هر چه ستانی شکر بود
وز دست غیر دوست تبرزد تبر بود
دشمن گر آستین گل افشاندت به روی
از تیر چرخ و سنگ فلاخن بتر بود
گر خاک پای دوست خداوند شوق را
در دیدگان کشند جلای بصر بود
شرط وفاست آن که چو شمشیر برکشد
یار عزیز جان عزیزش سپر بود

مجازستان

- امروز خانمه از فرعی اومد بیرون زد یه موتوری رو پهن کرد کف خیابون، یه ربع نشسته بود تو ماشین شیشه‌ها بالا پیاده هم نمیشد، بابا بیا پایین حداقل بنده‌خدارو بچرخون اینورش سوخت تو آفتاب.(R.o)
- بابام می‌گفت ما وقتی شلوغ می‌کردیم پدرم مارو تو خونه اصلا کتک نمی‌زد ولی خب هفته ای یه بار مارو با خودش می‌برد حموم نمره و یه دل سیر به اسم حموم کردن و ماساژ چک خورمون میکرد، رونالدینهوی زمانه ای بوده برا خودش..(miloo)
- داشتم واسه بچم از اهمیت صرفه‌جویی در مصرف برق می‌گفتم و اینکه قدیما مجبور بودیم تو نور گردسوز مشق بنویسیم؛ برگشته میگه: وای بابا بچه بودی چقدر بدبخت‌بودی.(محمد)

گوناگون

دستور آشپزی نئاندرتال‌ها توسط دانشمندان بازسازی شد

دانشمندان دستور العمل‌های شگفت‌انگیز دقیق آشپزی نئاندرتال‌ها را بازسازی کرده‌اند. باستان شناسان از ابزار سنگ چخماق برای قصابی دو یا کریم معمولی، دو کلاغ لاشه‌خوار و یک کبوتر جنگلی استفاده کردند که نئاندرتال‌ها همه آنها را می‌خوردند. به نقل از ایندیپندنت، باستان شناسان روش‌های قصابی و آشپزی نئاندرتال‌ها را بازسازی کرده‌اند و درک ما را از زندگی روزمره، چالش‌ها و شیوه‌های غذایی این اجداد باستانی انسان افزایش داده‌اند. درحالیکه شیوه‌های شکار بزرگ نئاندرتال‌ها به خوبی شناخته شده است، مصرف پرندگان توسط آنها به دلیل آثار باستان شناسی کمیاب به خوبی درک نشده است. دانشمندان یک کلاغ و یک کبوتر را با استفاده از پوسته سنگ چخماق قصابی کردند، در حالی که سه پرنده دیگر را روی ذغال داغ بریان کردند تا پخته شوند و سپس قصابی کردند. آنها دریافتند که استفاده از پوسته سنگ چخماق برای قصابی به دقت و تلاش قابل توجهی نیاز دارد که قبل از مطالعه کاملا درک نشده بود. محققان می‌گویند که برای ایجاد برش‌های دقیق بدون آسیب رساندن به انگشتان دست، نیاز به دقت است. ماریانا نبایس، نویسنده اصلی این مطالعه، می‌گوید: این آزمایش‌های عملی بر چالش‌های مربوط به پرورش و پخت غذای نئاندرتال‌ها تأکید دارد و ارتباط ملموسی با زندگی روزمره و استراتژی‌های بقای آنها فراهم می‌کند. کباب کردن پرندگان روی زغال سنگ مستلزم حفظ دمای ثابت و نظارت دقیق بر مدت زمان پخت برای جلوگیری از پختن بیش از حد گوشت بود. پس از قصابی پرندگان، دانشمندان آنها را از نظر بریدگی، شکستگی و سوختگی به صورت میکروسکوپی بررسی کردند. آنها می‌توانستند ببینند که چه نوع آثاری از قصابی با استفاده از ابزارهای سنگ چخماق روی استخوان‌ها باقی می‌ماند و چگونه این نشانه‌ها در مقایسه با آسیب ناشی از فرآیندهای طبیعی یا اعمال حیوانات دیگر متفاوت است. دانشمندان می‌گویند در حالی که برش‌ها برای به دست آوردن گوشت پرندگان خام اثری بر روی استخوان بر جای نمی‌گذارد، اما آن‌هایی که به سمت تاندون‌ها می‌رفتند، آثاری مشابه برش‌های پرندگانی که در مکان‌های باستان‌شناسی یافت می‌شوند، باقی گذاشتند. از سوی دیگر، استخوان‌های پرندگان برشته شده، هنگام قصابی با ابزار سنگ چخماق، شکننده و خرد می‌شدند. محققان لکه‌های سیاهی را در داخل برخی از استخوان‌های پرنده پیدا کردند که به این روش آماده شده بودند، که نشان می‌دهد محتویات حفره استخوان داخلی سوخته است. این یافته‌ها می‌تواند به باستان‌شناسان کمک کند تا به دنبال نشانه‌های قابل مشاهده آماده‌سازی غذای نئاندرتال‌ها در سوابق گذشته بگردند. از آنجاییکه این مطالعه تنها شامل پنج نمونه پرنده بود، دانشمندان خواستار تحقیقات بیشتر با نمونه‌های بزرگتر، گونه‌های متنوع و شرایط آزمایشی متنوع‌تر شدند.

فناوری

ماهواره‌ها صاحب شبکه برق فضایی می‌شوند

شرکت «استارکچر اینداستریز» ۱۲.۲۵میلیون دلار سرمایه برای طرح بلندپروازانه ساخت نخستین شبکه انرژی مبتنی برفضا در جهان را جمع آوری کرده است. این شبکه در حقیقت مجموعه ای از ماهواره‌ها است که از خورشید انرژی جمع آوری می‌کنند و آنرا با تراکم بیشتر به ماهواره های دیگر در مدار زمین میفرستند. جمع آوری انرژی خورشید در فضا عقلانی تر به نظر می‌رسد زیرا ۲۴ساعت روز در هفته بدون در نظر گرفتن آب وهوا یا تخصیص زمین می توان به انرژی دست یافت. بنابراین تعجبی ندارد که تلاش ها برای جمع آوری انرژی خورشید از مدار و تاباندن آن به سطح زمین بیشتر شده است. شرکت استار کچر ایده جالب تری دارد. این شرکت تصمیم دارد به جای دست و پنجه نرم کردن با چالش‌های رساندن انرژی به زمین، از آن برای تامین نیاز ماهواره های دیگر به طور کارآمد استفاده کند. شبکه استارکچر شامل مجموعه‌ای از ماهواره‌های «پاور نود» خواهد بود که انرژی خورشیدی محیطی را جمع آوری و متراکم می کنند و در مرحله بعد آن را به پنل های خورشیدی ماهواره‌ها می تابانند. شرکت مدعی است ظرفیت انتقال هر ماهواره ۱۵۰کیلووات است و حتی شبکه قادر به ارسال نیرو به چند ماهواره به طور همزمان است. ماهواره‌های دریافت کننده انرژی نیازی به تجهیزات اضافی ندارند. استارکچر مدعی است انرژی خورشیدی متراکم شده به‌طور همخوان با پنل‌های خورشیدی موجود تابانده می شود.